

عنوان مقاله:

تأثیر بدررفتاری روانشناختی دوران کودکی بر علائم وسواس در یک جمعیت غیربالینی: نقش میانجی‌گر مسئولیت‌پذیری و همجوشی شناختی

محل انتشار:

فصلنامه روانشناسی بالینی، دوره 12، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

سجاد بشرپور - گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

محمد هرنگ زا - گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

خلاصه مقاله:

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش بدررفتاری روانشناختی دوران کودکی با میانجی‌گری متغیر مسئولیت‌پذیری و همجوشی شناختی در پیش‌بینی علائم وسواسی در جمعیت غیربالینی بود. روش: روش پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی و جمعیت مطالعه دانشجویان سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ دانشگاه شیراز بودند. تعداد ۳۰۶ نفر (۱۴۵ پسر و ۱۶۱ دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مقیاس‌های بدررفتاری روانشناختی، همجوشی شناختی و پرسشنامه‌های نگرش مسئولیت‌پذیری و وسواسی - اجباری مادزلی جمع‌آوری شدند. داده‌های حاصل با روش مدل معادلات ساختاری بررسی شد. یافته‌ها: نتایج نشان داد مسئولیت‌پذیری و همجوشی شناختی در رابطه‌ی میان مؤلفه‌های بدررفتاری روانشناختی (عدم پاسخ‌گویی از نظر هیجانی، طرد کردن / ترساندن، پرتوقع / انعطاف ناپذیر بودن) با علائم وسواسی به‌طور سهمی میانجی شده‌اند. همچنین، بین مؤلفه‌های بدررفتاری روانشناختی (عدم پاسخ‌گویی از نظر هیجانی، طرد کردن / ترساندن، پرتوقع / انعطاف ناپذیر بودن) با علائم وسواسی تأثیر مستقیم و معناداری وجود دارد. نتیجه‌گیری: درمان‌گران به منظور کاهش باورها و آیین‌های وسواسی باید از یک‌سو تجربیات ناخوشایند دوران کودکی افراد مبتلا را بررسی و مورد ارزیابی قرار داده و از سوی دیگر ضمن چالش‌های شناختی و گذشته‌نگر به دنبال کاهش باورهای مسئولیت‌پذیری و همجوشی شناختی باشند.

کلمات کلیدی:

بدررفتاری روانشناختی دوران کودکی، همجوشی شناختی، مسئولیت‌پذیری، علائم وسواسی، جمعیت غیربالینی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1166918>

